ISSN: 2008-8000

Analyzing Academic Faculty Passivity and its Role in the Decline of International Students' Education Quality: the Case Study of Azarbaijan Shahid Madani University[1]

Article Type: Research

Behboud Yarigholi

Corresponding Author:

Associate Professor, Department of Education, Faculty of Education and Psychology. Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran.

E-mail: Behboud.yarigholi@yahoo.com

Abstract

Objective: Given the expansion of revenue-driven policies in recruiting international students in Iranian universities and the numerous reports regarding the decline in their educational quality, the central issue of this study concerns the ambiguity surrounding the reasons for the silence and passivity of faculty members in the face of this trend—a topic which, despite its significance, has not been independently or thoroughly examined in the existing literature. Most previous studies have focused on the academic quality of student life, the educational challenges from the perspective of international students, or university service provision, leaving a substantial gap regarding the role and responses of faculty members to the declining educational quality of international students. The present study aims to address this gap by elucidating the underlying dimensions of faculty passivity at Shahid Madani University of Azarbaijan. This university was selected as a suitable case due to its considerable growth in attracting international students and the associated structural changes affecting the quality of internationalization.

Method: For this purpose, a qualitative approach and thematic analysis were used as methods to collect data from semi-structured interviews and document review. also, the purposeful chain sampling method was used for sampling. The research participants were 282 faculty members of Azerbaijan Shahid Madani University. Sampling and interviews continued until data analysis and exploration reached saturation after 15 interviews. Braun and Clarke's thematic analysis method was also used to analyze the data. In order to ensure the reliability of the research, review strategies were used by experts and participants.

Results: The findings revealed five main categories: authoritarian management structures (non-participatory decision-making system in student recruitment, lack of an accountable system for following up on protests, lack of organizational risk-taking, and fear of job consequences), Faculty consideration in light of economic motivations (dependence on side income, fear of deprivation of financial privileges, moral-economic justification), sociocultural factors (culture of silence in the academic environment, prominent role of administrative hierarchy, underestimation of educational quality), psychological dimensions of the lack of resistance to institutional changes (feeling of ineffectiveness, psychological fatigue caused by

[1] The article is based on independent research conducted at Azarbaijan Shahid Madani University from 2025 to 2026.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1404.17.3.1.7]

administrative processes, conservatism as a survival strategy), and macro-educational policymaking and diplomatic priorities (forcing governing institutions to attract international students as a soft power tool, international student attraction policymaking as a tool to improve university rankings).

Conclusion: Based on the theories of organizational silence and academic capitalism, this study suggests the need to review international student recruitment policies. The findings of this study also indicate that solving this challenge requires simultaneous transformation in managerial structures (increasing faculty participation in decision-making), motivational structures (designing quality-oriented incentives), and cultural structures (strengthening critical discourse) in order to transfer from "formal internationalization" to "real improvement in educational quality." It should also be noted that the limitations of this study include its focus on a single university, the qualitative nature of the data, and reliance on individual interviews, all of which constrain the scope of generalizability and the diversity of experiences that can be identified.

Keywords: faculty members, international students, passivity, educational quality, university internationalization, Azarbaijan Shahid Madani University

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1404.17.3.1.7]

تحلیل انفعال اعضای هیئت‌علمی در کاهش کیفیت آموزش دانشجویان بین‌المللی: مطالعه موردی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان[1]

نوع مقاله: پژوهشی

نویسنده مسئول:
بهبود یاری‌قلی *
دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران. رایانامه Behboud.yarigholi@yahoo.com

چکیده

هدف: با توجه به گسترش سیاست‌های درآمدمحور در جذب دانشجویان بین‌المللی در دانشگاه‌های ایران و گزارش‌های متعدد درباره افت کیفیت آموزشی آنان، مسئله مرکزی این پژوهش، ابهام در دلایل سکوت و انفعال اعضای هیئت‌علمی در برابر این روند است؛ موضوعی که علی‌رغم اهمیت آن، در ادبیات پژوهش به‌صورت مستقل و عمیق مورد بررسی قرار نگرفته است. بیشتر مطالعات پیشین بر کیفیت زندگی دانشگاهی، چالش‌های تحصیل از دیدگاه دانشجویان خارجی یا خدمات دانشگاهی متمرکز بوده و شکاف مهمی در زمینه نقش و واکنش هیئت‌علمی نسبت به افت کیفیت آموزشی دانشجویان بین‌المللی وجود دارد. پژوهش حاضر با هدف پر کردن این شکاف و تبیین ابعاد پنهان انفعال هیئت‌علمی در دانشگاه شهید مدنی آذربایجان انجام شد. دانشگاه شهید مدنی آذربایجان به‌دلیل رشد قابل‌توجه در جذب دانشجویان بین‌المللی و تغییرات ساختاری مرتبط، به‌عنوان موردی مناسب برای بررسی چالش‌های کیفی بین‌المللی سازی انتخاب شد.

روش: بدین منظور از رویکرد کیفی و روش تحلیل مضمون به‌عنوان روش، جهت گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه ساختاریافته و بررسی اسناد و برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع زنجیره‌ای بهره گرفته شد. مشارکت‌کنندگان پژوهش، اعضای هیئت‌علمی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان بودند که تعداد آن‌ها ۲۸۲ نفر می‌باشد. نمونه‌گیری و مصاحبه‌ها تا زمانی ادامه یافت که تجزیه‌وتحلیل و اکتشاف داده‌ها پس از ۱۵ مصاحبه به اشباع رسید. از روش تحلیل تماتیک براون و کلارک نیز برای تحلیل داده‌ها استفاده گردید. جهت اطمینان‌پذیری پژوهش از راهبردهای بررسی توسط افراد متخصص و مشارکت‌کنندگان استفاده‌شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها پنج مقوله اصلی را نشان داد: ساختارهای اقتدارگرای مدیریتی (نظام تصمیم‌گیری غیر مشارکتی در جذب دانشجو، فقدان نظام پاسخگو برای پیگیری اعتراضات، عدم ریسک‌پذیری سازمانی و هراس از پیامدهای شغلی)، ملاحظه‌کاری هیئت‌علمی در پرتو انگیزه‌های اقتصادی (وابستگی معیشتی به درآمدهای جانبی، ترس از محرومیت از امتیازات مالی، توجیه اخلاقی-اقتصادی)، عوامل فرهنگی-اجتماعی (فرهنگ سکوت در محیط دانشگاهی، نقش پررنگ سلسله‌مراتب اداری، کم‌اهمیت دانستن کیفیت آموزشی)، ابعاد روان‌شناختی عدم مقاومت در برابر تغییرات نهادی (احساس بی‌تأثیری، خستگی روانی ناشی از فرآیندهای اداری، محافظه‌کاری به‌عنوان استراتژی بقا) و سیاست‌گذاری کلان آموزشی و اولویت‌های دیپلماتیک (اجبار نهادهای حاکمیتی برای جذب دانشجویان بین‌المللی به‌عنوان ابزار قدرت نرم، سیاست‌گذاری جذب دانشجوی بین‌المللی به‌عنوان ابزاری در جهت ارتقا رتبه‌بندی دانشگاه).

نتیجه‌گیری: پژوهش حاضر با تکیه بر نظریه‌های سکوت سازمانی و سرمایه‌داری دانشگاهی، لزوم بازنگری در سیاست‌های جذب دانشجویان بین‌المللی را پیشنهاد می‌کند. همچنین یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که حل این چالش، مستلزم تحول هم‌زمان در ساختارهای مدیریتی (افزایش مشارکت هیئت‌علمی در تصمیم‌گیری)، انگیزشی (طراحی مشوق‌های کیفی‌محور) و فرهنگی (تقویت گفتمان انتقادی) است تا بتوان از «بین‌المللی سازی صوری» به «ارتقای واقعی کیفیت آموزشی» گذار کرد. لازم به ذکر است از محدودیت‌های پژوهش، تمرکز بر یک دانشگاه، ماهیت کیفی داده‌ها و اتکا به مصاحبه‌های فردی است که دامنه تعمیم‌پذیری و تنوع تجربه‌های قابل‌شناسایی را محدود می‌سازد.

[1] مقاله برگرفته از پژوهشی آزاد است که از سال ۱۴۰۳ تا ۱۴۰۴ در دانشگاه شهید مدنی آذربایجان انجام شده است.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1404.17.3.1.7]

واژه‌های کلیدی: اعضای هیئت‌علمی، دانشجویان بین‌المللی، انفعال، کیفیت آموزشی، بین‌المللی سازی دانشگاهی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.

مقدمه و بیان مسئله

دانشگاه‌ها در جوامع امروزی نقش محوری در پیشرفت علمی، اقتصادی و اجتماعی ایفا می‌کنند. آن‌ها نه‌تنها به‌عنوان مراکز تولید دانش و پژوهش‌های پیشرفته عمل می‌کنند، بلکه با تربیت نیروی انسانی متخصص، پاسخگوی نیازهای بازار کار هستند. همچنین، دانشگاه‌ها با گسترش تفکر انتقادی، نوآوری و کارآفرینی، به توسعه پایدار کمک می‌کنند. از آن‌ها انتظار می‌رود که علاوه بر آموزش باکیفیت، در حل چالش‌های جهانی مانند تغییرات اقلیمی، نابرابری‌های اجتماعی و توسعه فناوری‌های نوین مشارکت فعال داشته باشند (Altbach et al, 2019).

در سال‌های اخیر، آموزش عالی در بسیاری از کشورها با روند فزاینده‌ای از «بازاری شدن» مواجه شده است، به‌گونه‌ای که دانشگاه‌ها بیش‌ازپیش به سمت جذب دانشجویان بین‌المللی به‌عنوان منبع درآمد روی آورده‌اند (Marginson,2016). این رویکرد، هرچند از نظر اقتصادی ممکن است توجیه‌پذیر باشد، اما نگرانی‌هایی جدی درباره تأثیر آن بر کیفیت آموزش و پژوهش به‌وجود آورده است. کاهش استانداردهای پذیرش، افزایش تعداد دانشجویان بدون توجه به امکانات آموزشی و فشار بر اساتید برای تسهیل فرآیند فارغ‌التحصیلی، از جمله پیامدهای این سیاست‌ها هستند. به علاوه، برخی مطالعات جدید نشان داده‌اند که اتکای زیاد به شهریه دانشجویان بین‌المللی باعث نوسانات جدی در بودجه مؤسسات آموزش عالی می‌شود و این امر فشار بیشتری بر روی کیفیت تدریس و پژوهش وارد می‌آورد (Lundin,2024).

اعضای هیئت‌علمی به‌عنوان هسته اصلی نظام دانشگاهی، نقشی دوگانه در همراهی با سیاست‌های دانشگاه و حفظ استقلال دانشگاهی ایفا می‌کنند. از یک‌سو، دانشگاه‌ها به‌عنوان نهادهای آموزشی و پژوهشی، تابع قوانین دولتی و سیاست‌های کلان هستند و اساتید ملزم به رعایت چارچوب‌های تعیین‌شده می‌باشند از سوی دیگر، اساتید به دلیل تخصص خود، باید در طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی و پژوهشی آزادی عمل داشته باشند. مطالعات نشان می‌دهند که در بسیاری از نظام‌های آموزش عالی، اساتید درگیر فرآیندهای تصمیم‌گیری می‌شوند، اما میزان این مشارکت به ساختار حکمرانی دانشگاه بستگی دارد (Enders et al.2013). استقلال دانشگاهی به معنای آزادی پژوهش، تدریس و ابراز دیدگاه‌های علمی بدون مداخله نهادهای بیرونی است. با این حال یکی از شئون مورد تأکید در استقلال دانشگاه‌ها در ارتباط با استقلال تحصیلی دانشجویان، نحوه جذب دانشجویان، کیفیت آموزش و پژوهش، محتوای آموزشی و برنامه‌های درسی و روش‌های تدریس می‌باشد. گرچه بر اساس گزارش‌های یونسکو (۲۰۲۱) میزان استقلال تحصیلی دانشگاه‌های ایرانی با میانگین جهانی فاصله زیادی دارد با این حال ذیل سیاست‌گذاری‌های کلان آزادی عمل لازم به در مواردی که در فوق بدان اشاره شد را دارا هستند.

پذیرش دانشجویان بین‌المللی که در سنوات اخیر اکثریت آن‌ها را دانشجویان عراقی تشکیل می‌دهند بنا بر گزارش کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس (Hajiabbasi& Parvin,2023) کیفیت حداقلی را نیز دارا نیستند. دلایل مختلفی از جمله نبود فیلتر و معیار مشخص برای پذیرش دانشجویان، همکاری با شرکت‌های جذب دانشجو از جانب دانشگاه که معیار منافع مالی اولویت نخست آن به شمار می‌رود و موارد مشابه دیگر همه گویای تقلیل کیفیت دانشجویان به‌عنوان ورودی این دوره‌ها است. فرآیند تحصیل و پژوهش دانشجویان بین‌المللی در دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، از جمله هزار دانشجوی عراقی، به نظر می‌رسد با برخی معیارهای علمی استاندارد همخوانی نداشته باشد. این ادعا بر پایه مشاهدات مستقیم پژوهشگر در محیط آموزشی مذکور است که به‌عنوان مشاهده‌گر مشارکتی[1] حضور دارد. داده‌های مشاهداتی طی یک ترم تحصیلی به‌صورت سیستماتیک ثبت شد و شامل موارد زیر است: عدم حضور منظم برخی دانشجویان در کلاس‌ها که از طریق ثبت

1 . participant observer

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1404.17.3.1.7]

حضور و غیاب در طول جلسات مختلف مستند شد. ضعف مهارت‌های زبان فارسی و انگلیسی در میان دانشجویان، بر اساس تعامل مستقیم پژوهشگر و نمونه‌گیری از مکالمات و فعالیت‌های کلاسی. انتخاب واحد در روز برگزاری امتحانات پایان‌ترم که با مشاهده برنامه انتخاب واحد و تطبیق آن با تاریخ امتحانات مستند گردید. نگارش پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها توسط مؤسسات خارج از دانشگاه که از طریق بررسی نمونه‌های پایان‌نامه‌ها و مشاهدات پژوهشگر ثبت شده است. این مشاهدات با توجه به حضور مستمر پژوهشگر در محیط دانشگاه و ثبت داده‌ها به‌صورت سیستماتیک، به‌عنوان شواهد اولیه‌ای قابل استناد در پژوهش‌های کیفی تلقی می‌شوند و نشان‌دهنده چالش‌هایی در رعایت استانداردهای علمی است.

در این میان، موضع هیئت‌علمی به‌عنوان اصلی‌ترین نهاد ناظر بر کیفیت آموزش، قابل‌تأمل است. به‌رغم مشاهده نشانه‌های کاهش کیفیت آموزشی، بسیاری از اساتید واکنش محسوسی از خود نشان نمی‌دهند و گویی در سکوتی معنادار فرو رفته‌اند. پرسش اصلی این است که چرا هیئت‌علمی، به‌عنوان نگهبانان سنتی کیفیت آموزش عالی، در برابر این روند بازاری شدن سکوت اختیار کرده‌اند؟ آیا این سکوت نشانه‌ای از پذیرش اجتناب‌ناپذیر تغییرات اقتصادی در نظام دانشگاهی است، یا بازتابی از ناتوانی ساختاری اساتید در مقابله با سیاست‌های کلان دانشگاه‌ها؟ محدودیت‌هایی مانند وابستگی مالی دانشگاه به شهریه دانشجویان بین‌المللی، افزایش بار کاری و اختیارات محدود در فرآیندهای آموزشی و پژوهشی، عملاً توانایی اساتید را در مقابله با این سیاست‌ها کاهش می‌دهد. واکاوی این انفعال نه‌تنها می‌تواند به درک بهتر رابطه میان اقتصاد و آموزش عالی کمک کند، بلکه زمینه‌ساز بازاندیشی در نقش اساتید به‌عنوان کنشگران مؤثر در حفظ استانداردهای علمی خواهد بود.

با وجود رشد روزافزون ادبیات بین‌المللی درباره پیامدهای بازاری شدن آموزش عالی و تأثیر آن بر کیفیت آموزش، در ایران هنوز مطالعه‌ای نظام‌مند که به‌طور مشخص رفتار هیئت‌علمی در مواجهه با افت کیفیت آموزشی دانشجویان بین‌المللی را بررسی کند، وجود ندارد. اغلب پژوهش‌های داخلی بر تجربه‌های دانشجویان خارجی، کیفیت خدمات دانشگاهی یا مشکلات سازگاری آنان تمرکز داشته و نقش کنشگری یا انفعال هیئت‌علمی ـ که اصلی‌ترین ناظر کیفیت آموزشی است ـ مغفول مانده است. این خلأ باعث شده منشأ دقیق کاهش حساسیت اساتید نسبت به استانداردهای آموزشی، ابعاد ساختاری و روانی شکل‌دهنده سکوت آنان و ارتباط این پدیده با سیاست‌های کلان بین‌المللی سازی به‌درستی فهم نشود. در نتیجه، مسئله اصلی این پژوهش واکاوی علل چندلایه و زمینه‌مند انفعال هیئت‌علمی در برابر افت کیفیت آموزشی ناشی از جذب گسترده دانشجویان بین‌المللی است؛ مسئله‌ای که هم برای تحلیل علمی‌روندهای بازاری شدن آموزش عالی و هم برای اصلاح سیاست‌گذاری‌های دانشگاهی اهمیت بنیادین دارد.

با توجه به این‌که پژوهش قابل اتکایی در زمینه کیفیت آموزشی دانشجویان بین‌المللی در ایران انجام نشده است و اکثر تحقیقات صورت گرفته متمرکز بر کیفیت زندگی دانشگاهی دانشجویان خارجی (Yamani& Teymouri, 2015;Hemmati& Mohammadi, 2022)، چالش‌های دانشجویان بین‌المللی از تحصیل در ایران از منظر خود آنان (Asghari,2021; asaadi et al, 2023)، توجه به منابع انسانی دانشگاه‌ها برای جذب دانشجویان بین‌المللی (Mahdi& Barani,2021) و کیفیت خدمات دانشگاه‌های ایرانی به دانشجویان خارجی (Khorasani et al, 2023) بوده است. این پژوهش در پی آن است تا به این سؤال پاسخ دهد که علل انفعال و سکوت هیئت‌علمی در برابر کاهش کیفیت آموزشی دانشجویان بین‌المللی چیست؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1404.17.3.1.7]

دانشگاه‌ها در طول تاریخ، از مراکز آموزش محض به نهادهای پژوهش محور، بین‌المللی و فناورانه تحول یافته‌اند. در گذشته، دانشگاه‌های سنتی (مانند دانشگاه‌های قرون‌وسطی) عمدتاً بر آموزش علوم کلاسیک مانند الهیات، فلسفه و حقوق متمرکز بودند و نقش محدودی در تولید دانش جدید ایفا می‌کردند؛ اما از قرن نوزدهم، با ظهور مدل دانشگاه هومبولت، پژوهش به‌عنوان بخش اساسی مأموریت دانشگاه‌ها تثبیت شد. در قرن بیستم، دانشگاه‌های تحقیقاتی (مانند هاروارد و ام‌آی‌تی) با تأکید بر نوآوری علمی و همکاری با صنعت، به موتورهای پیشرفت اقتصادی تبدیل شدند. امروزه، دانشگاه‌ها علاوه بر آموزش و پژوهش، نقش بین‌المللی یافته‌اند؛ برنامه‌های تبادل دانشجو، همکاری‌های فرامرزی و رتبه‌بندی‌های جهانی نشان‌دهنده این تحول هستند. همچنین، فناوری‌های دیجیتال (هوش مصنوعی، یادگیری آنلاین و آزمایشگاه‌های مجازی) آموزش عالی را دموکراتیک‌تر کرده‌اند (Aghion et al, 2010).

حرکت به سمت الگوهای درآمدمحور در بین دانشگاه‌ها که در دو دهه اخیر به‌صورت فزاینده‌ای نمایان شده است، تحت عنوان «بازاری شدن آموزش عالی[1]» شناخته می‌شود، بر اساس نظریه «سرمایه‌داری دانشگاهی[2]» اسلاتر و رودز[3] (۲۰۰۴) دانشگاه‌ها در دهه‌های اخیر از نهادهای عمومیِ مبتنی بر دانش محض به سازمان‌های شبه بازاری تبدیل شده‌اند که در آن دانش به کالا تبدیل می‌شود، منطق سودآوری جایگزین اهداف آموزشی و پژوهشی سنتی می‌شود و رقابت بازار بر روابط دانشگاهی حاکم می‌گردد که مصادیق عینی را می‌توان در مواردی همچون رتبه‌بندی دانشگاه‌ها، جذب سرمایه‌های خصوصی و موارد مشابه دید. کلارک[4] (۱۹۹۸) بر این باور است که سه نیروی اصلی – کاهش بودجه دولتی، رقابت جهانی و فشارهای اقتصادی – دانشگاه‌ها را به سمت تجاری‌سازی سوق می‌دهند؛ که آمار انجمن دانشگاه‌های اروپا[5] (۲۰۲۱) که در حال حاضر ۶۸٪ دانشگاه‌های دولتی اروپا بیش از ۳۰٪ درآمد خود را از منابع غیردولتی تأمین می‌کنند، نیز مؤید این امر است. از سوی دیگر، نظریه نئولیبرالیسم دانشگاهی بر بعد ایدئولوژیک این تحول تأکید دارد و نشان می‌دهد چگونه گفتمان بازار به‌تدریج جایگزین ارزش‌های سنتی دانشگاه شده است. روتا و تکسیرا[6] (۲۰۱۸) بیان می‌کنند بازاری شدن منجر به سه تحول اساسی شده است: تبدیل دانش به کالا، جایگزینی معیارهای کمی به‌جای کیفی و تغییر مأموریت اصلی دانشگاه از آموزش به درآمدزایی. مطالعه کیفی نایدو[7] (۲۰۱۸) روی ۵۰ دانشگاه نشان می‌دهد که ۷۳٪ اساتید، فشار برای جذب دانشجویان پولی را عاملی مؤثر در کاهش کیفیت آموزش می‌دانند. تابش مفرد و همکاران (۱۴۰۲) نیز طی پژوهشی بیان کرده‌اند که به دلیل کاهش بودجه دولتی و فشارهای اقتصادی، دانشگاه‌های ایران بیش‌ازپیش به منابع درآمدی جایگزین مانند شهریه دانشجویان تکیه کرده‌اند که گواهی بر گرایش فزاینده آن‌ها به الگوهای «درآمدمحور» یا بازاری شدن آموزش عالی است. این موارد نشان می‌دهد که فشارهای اقتصادی و تمرکز بر درآمد شهریه‌ها، محدودیت‌های عملی و ساختاری هیئت‌علمی را در اعمال معیارهای علمی افزایش می‌دهد و می‌تواند توضیح‌دهنده انفعال نسبی اساتید در مواجهه با سیاست‌های کلان دانشگاه باشد.

هنری ژیرو[8] از منتقدان سرشناس آموزش عالی، در چارچوب نظریه نئولیبرالیسم دانشگاهی استدلال می‌کند که دانشگاه‌ها در عصر حاضر به ابزارهایی برای بازتولید نظام سرمایه‌داری نئولیبرال تبدیل شده‌اند. به‌زعم ژیرو، فرآیند کالایی شدن آموزش[9] موجب شده است دانشگاه‌ها از مأموریت اصلی خود یعنی پرورش شهروندان نقاد و تولید دانش ناب فاصله بگیرند شوند (Giroux, 2014). این تحول با سه مکانیسم کلیدی

1 . Marketization of Higher Education
2 . Academic Capitalism
3 . Slaughter& Rhoades
4 . Clark
5 . European University Association
6 . Rotta & Teixeira
7 . Naidoo
8 . Henry Giroux
9 . Commodification of Education

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.20088000.1404.17.3.1.7]

همراه است: **حاکمیت منطق سودآوری**: دانشگاه‌ها تحت تأثیر شاخص‌های بازار (مانند رتبه‌بندی‌های جهانی، تعداد دانشجویان بین‌المللی و درآمدهای پژوهشی) از نهادهای عمومی به بنگاه‌های اقتصادی تبدیل شده‌اند. ژیرو این پدیده را مدیریت گرایی بازارمحور[1] می‌نامد که در آن، مدیران دانشگاه‌ها بیشتر شبیه به مدیران شرکت‌های چندملیتی عمل می‌کنند، **حذف گفتمان انتقادی:** نئولیبرالیسم دانشگاهی با ترویج آموزش فنی‌مدار مثل رشته‌های MBA و مهندسی و کاهش حمایت از علوم انسانی، به‌تدریج تفکر انتقادی را از دانشگاه حذف می‌کند. ژیرو هشدار می‌دهد که این روند، دانشگاه را از فضای دموکراتیک گفت‌وگو به ابزار ایدئولوژیک سرمایه‌داری تبدیل می‌کند، **نابرابری سیستماتیک**: ژیرو تأکید می‌کند که بازاری شدن دانشگاه‌ها، دسترسی طبقات محروم به آموزش عالی را محدود کرده است. برای مثال، افزایش شهریه‌ها در آمریکا و اروپا موجب شده است دانشگاه‌ها به باشگاه‌های نخبگان اقتصادی تبدیل شوند، نه نهادهای عمومی برای پیشرفت اجتماعی (Giroux,2007).

شهریه محوری[2] به‌عنوان یکی از پیامدهای بازاری شدن آموزش عالی، تأثیرات قابل‌توجهی بر کیفیت آموزش دارد. این پدیده زمانی رخ می‌دهد که دانشگاه‌ها برای تأمین هزینه‌های خود به درآمدهای حاصل از شهریه‌ها وابسته می‌شوند که این امر می‌تواند منجر به کاهش استانداردهای آموزشی، تغییر در محتوای دروس و فشار بر اساتید برای جلب رضایت دانشجویان شود. آرونوویتز[3] (۲۰۰۱) بیان می‌کند که دانشگاه‌های خصوصی در آمریکا که به شهریه‌ها وابسته هستند، تمایل دارند تا حداقل سازی ریسک عدم پذیرش دانشجویان را در اولویت قرار دهند که این امر منجر به کاهش انتظارات علمی و آسان‌گیری در نمره دهی می‌شود. تحقیقات روجستازر و هیلی[4] (۲۰۱۲) با بررسی داده‌های دانشگاه‌های آمریکایی نشان داد که در مؤسسات وابسته به شهریه، نمرات دانشجویان به‌طور مصنوعی افزایش یافته‌اند، درحالی‌که شواهدی از بهبود واقعی در یادگیری وجود ندارد. این پدیده به‌عنوان تورم نمره[5] شناخته می‌شود. گینسبرگ[6] (۲۰۱۱) نیز در تحقیقات خود اشاره می‌کند دانشگاه‌ها برای جذب دانشجویان بیشتر به سمت کاهش محتوا و افزایش دوره‌های سبک‌تر پیش می‌روند. جذب دانشجویان بین‌المللی به‌عنوان منبع درآمدی برای دانشگاه‌ها، در صورت عدم مدیریت صحیح، می‌تواند به کاهش کیفیت آموزش و پژوهش منجر شود. این مسئله در مطالعات متعددی با رویکردهای مختلف بررسی شده است. مطالعه آلتاباخ و همکاران (۲۰۱۹) نشان می‌دهد دانشگاه‌هایی که به‌شدت بر جذب دانشجویان بین‌المللی برای درآمدزایی تکیه می‌کنند، ممکن است استانداردهای زبان انگلیسی (مانند نمره آیلتس) را کاهش دهند تا تعداد بیشتری از متقاضیان واجد شرایط شوند. این امر منجر به مشکلات ارتباطی در کلاس‌ها، کاهش کیفیت مشارکت علمی، افزایش فشار بر اساتید برای ساده‌سازی محتوا می‌شود. تحقیقات لموئین[7] و همکاران (۲۰۱۷) نیز نشان داده است دانشگاه‌ها برای جذب دانشجویان بین‌المللی بیشتر، منابع خود را به سمت رشته‌های بازارپسند مانند مدیریت و مهندسی سوق می‌دهند و از توسعه رشته‌های علوم انسانی و پایه غفلت می‌کنند. این امر منجر به کاهش تنوع دانشگاهی، تضعیف پژوهش‌های بنیادی و ایجاد عدم تعادل در نظام آموزشی می‌گردد. با این حال، کاربرد این نظریه‌ها در زمینه‌ایرانی محدودیت‌هایی دارد؛ زیرا ساختار مدیریتی، فرهنگ آموزشی و سیاست‌های بومی دانشگاه‌ها ممکن است پیامدهای متفاوتی ایجاد کنند. این چارچوب نظری، زمینه لازم برای بررسی این پژوهش را فراهم می‌کند تا نشان دهد چگونه فشارهای اقتصادی و محدودیت‌های ساختاری اساتید در دانشگاه شهید مدنی آذربایجان بر کیفیت آموزش و پژوهش دانشجویان بین‌المللی تأثیر می‌گذارد.

---

1. Market-Driven Managerialism
2. Tuition Dependency
3. Aronowitz
4. Rojstaczer & Healy
5. Grade Inflation
6. Ginsberg
7. Lemoine

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1404.17.3.1.7]

روش پژوهش

پژوهش حاضر ازلحاظ هدف کاربردی است و ازنظر ماهیت پژوهشی تحلیل تماتیک کیفی می‌باشد. از آنجا که هدف پژوهش شناسایی و تبیین تجربیات، نگرش‌ها و عوامل مؤثر بر انفعال اعضای هیئت‌علمی در کاهش کیفیت آموزش دانشجویان بین‌المللی است، روش تحلیل تماتیک کیفی به دلیل توانایی‌اش در استخراج الگوها و مفاهیم اصلی از داده‌های متنی و مشاهده‌ای، مناسب‌ترین روش برای تحلیل این پدیده پیچیده محسوب می‌شود. جهت گردآوری داده‌های موردنیاز از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته، پس از طراحی آن و با آشنایی به اینکه چه گروه‌های دانشگاهی در این زمینه بیش‌تر می‌توانند در راستای اهداف پژوهش مفید باشند به‌صورت حضوری با اعضای هیئت‌علمی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان مصاحبه تا رسیدن به حد اشباع (۱۵ نفر) انجام گرفت. لازم به ذکر است به دلیل دامنه محدود بافت زمینه‌ای و فرهنگی، رسیدن به اشباع داده‌ها در تعداد ۱۲ مشارکت‌کننده صورت گرفت اما جهت اطمینان از اشباع واقعی یافته‌ها تا مورد ۱۵ نیز ادامه پیدا کرد به همین جهت روش نمونه‌گیری در این پژوهش نمونه‌گیری زنجیره‌ای[1] است که این نوع نمونه‌گیری مستلزم مشورت با افراد مطلع است تا آن‌ها موارد مناسب تحقیق را معرفی کنند. در مواردی که همگرایی میان آرای صاحب‌نظران وجود داشته باشد، افراد انتخاب‌شده نمونه‌ای بسیار معتبر را تشکیل خواهند داد. در این پژوهش، نمونه‌گیری زنجیره‌ای بر اساس معرفی اولیه چند عضو هیئت‌علمی مطلع آغاز شد و سپس هر مشارکت‌کننده افراد دیگری را که تجربه، آگاهی یا مواجهه مستقیم با مسئله کیفیت آموزشی دانشجویان بین‌المللی داشتند، معرفی کرد. معیارهای ورود به نمونه شامل: سابقه تدریس برای دانشجویان بین‌المللی، آشنایی با چالش‌های آموزشی این گروه و تمایل به ارائه روایت دقیق از تجربه‌های حرفه‌ای بود. هر حلقه معرفی تا زمانی ادامه یافت که افراد جدید اطلاعات یا مضامین تازه‌ای به داده‌ها اضافه نمی‌کردند.

اشباع نظری زمانی احراز شد که در سه مصاحبه آخر، هیچ کد جدیدی تولید نشد، مضامین اصلی تثبیت گردید و پاسخ‌ها تکرارپذیر شدند. همچنین تطابق میان داده‌های جدید و کدهای پیشین توسط پژوهشگر و یک متخصص بیرونی بررسی شد تا اطمینان حاصل شود که داده‌ها به تنوع لازم رسیده‌اند و افزودن مشارکت‌کننده جدید ارزش تحلیلی افزوده نخواهد داشت. برای ثبت اطلاعات مصاحبه ضبط‌شده و در حین مصاحبه یادداشت‌برداری نیز به عمل آمد. با توجه به رعایت اصل بیشینه‌سازی تنوع نمونه‌گیری سعی شد دانشکده‌ها و گروه‌های مختلف و همچنین اعضای هیئت‌علمی دارای مسئولیت اجرایی و بدون مسئولیت اجرایی و هر موردی که نشانگر تنوع نمونه باشد، موردتوجه قرار گیرد.

اعتباریابی مقولات و روابط آن‌ها مهم‌ترین بخش هر فعالیت پژوهشی است. در پژوهش حاضر محقق سعی کرده‌اند از طریق بازگشت‌های مکرر به داده‌ها، یافته‌های خود را به‌طور مرتب ویرایش کند و اصلاح‌های لازم صورت گیرد تا نتایج به‌دست‌آمده از قدرت توضیح دهنگی لازم برخوردار باشد. جهت اطمینان‌پذیری پژوهش از استراتژی‌های ذیل استفاده شد: بررسی توسط متخصصان: در این مرحله متن مصاحبه و کدهای استخراج‌شده در اختیار متخصصان قرار داده‌شده تا به بررسی یافته‌ها و اظهارنظر درباره‌ی آن‌ها بپردازند. بررسی توسط اعضا یا مشارکت‌کنندگان: در این بخش نیز محققان پس از تحلیل داده‌ها، کدگذاری باز را در اختیار مشارکت‌کنندگان قرار دادند تا درستی فهم و تحلیل محققان از مطالب گفته‌شده توسط مصاحبه‌شوندگان بررسی شود و در صورت نیاز بازبینی انجام‌شده است. همچنین نتایج پژوهش با استفاده از تکنیک سه سویه سازی با نتایج پژوهش‌های قبلی مورد مقایسه و تحلیل قرار گرفته شد. جهت پایایی داده‌ها محقق همه جزئیات ضبط و به متن تبدیل شده است؛ این موضوع حتی شامل وقفه‌ها و مکث‌ها نیز می‌شود. بعلاوه اینکه چون تمامی مصاحبه‌ها، تحلیل‌ها و کدگذاری‌ها تنها توسط خود پژوهشگر صورت گرفته است می‌توان گفت همسانی وجود دارد و تحقیق پایاست. برای افزایش پایایی، علاوه بر خود پژوهشگر، یک کدگذار دوم نیز

[1] . Chain sampling

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1404.17.3.1.7]

بخشی از داده‌ها (۳۰٪ مصاحبه‌ها) را به‌صورت مستقل کدگذاری کرد. سپس میزان توافق بین دو کدگذاری بررسی شد و اختلاف‌ها با بحث و بازنگری مشترک رفع گردید. این فرآیند موجب کاهش سوگیری فردی و افزایش اعتمادپذیری تحلیل شد.

همچنین به‌منظور رعایت ملاحظات اخلاقی قبل از شروع مصاحبه، شرکت‌کنندگان از اهداف و اهمیت تحقیق آگاه شده و با رضایت آگاهانه در تحقیق شرکت نمودند. به آن‌ها اطمینان داده شد که اطلاعات به‌دست‌آمده فقط در جهت تحقق اهداف پژوهش مورداستفاده قرار می‌گیرد. بعلاوه این‌که در هر مرحله از پژوهش می‌توانستند انصراف خود را از ادامه شرکت در پژوهش اعلام کنند و مشخصات آنان در طول پژوهش و بعد از آن به‌صورت محرمانه حفظشده است. همچنین پژوهشگر در این مطالعه با رعایت اصل اپوخه یا تعلیق تلاش کرده است پیش‌فرض‌ها و قضاوت‌های شخصی خود را کنار گذاشته و تنها بر تجربه‌ها و گفته‌های اعضای هیئت‌علمی متمرکز شود. یکی از مواردی که به لحاظ روش‌شناسی لزوماً باید به آن توجه داشت آن است که یافته‌ها صرفاً بر مبنای داده‌های گردآوری‌شده از دانشگاه شهید مدنی آذربایجان است و بنابراین تعمیم‌پذیری نتایج به سایر دانشگاه‌ها با احتیاط صورت می‌گیرد.

همچنین جهت تجزیه‌وتحلیل داده‌های کیفی از چارچوب شش مرحله‌ای براون و کلارک برای انجام تحلیل تماتیک، جهت شناسایی تم‌ها در بطن داده‌های کیفی بر اساس ۶ گام استفاده شد. تحلیل تم و کدگذاری به روش براون و کلارک: مرحله ۱. آشنایی با داده‌ها: برای اینکه محقق با عمق و گستره محتوایی داده‌ها آشنا شود لازم است که خود را در آن‌ها تا اندازه‌ای غوطه‌ور سازد. غوطه‌ور شدن در داده‌ها معمولاً شامل بازخوانی مکرر داده‌ها و خواندن داده‌ها به‌صورت فعال (یعنی جستجوی معانی و الگوها) است. مرحله ۲. ایجاد کدهای اولیه: مرحله دوم زمانی شروع می‌شود که محقق داده‌ها را خوانده و با آن‌ها آشنایی پیدا کرده است. این مرحله شامل ایجاد کدهای اولیه از داده‌ها است. کدها یک ویژگی داده‌ها را معرفی می‌نمایند که به نظر تحلیلگر جالب می‌رسد. داده‌های کدگذاری شده از واحدهای تحلیل (تم‌ها) متفاوت هستند. کدگذاری را می‌توان به‌صورت دستی یا از طریق برنامه‌های نرم‌افزاری انجام داد. در این پژوهش کدگذاری به‌صورت دستی صورت گرفته است. مرحله ۳ جستجوی کدهای گزینشی: این مرحله شامل دسته‌بندی کدهای مختلف در قالب کدهای گزینشی و مرتب کردن همه خلاصه داده‌های کدگذاری شده است. در واقع محقق، تحلیل کدهای خود را شروع کرده و در نظر می‌گیرد که چگونه کدهای مختلف می‌توانند برای ایجاد یک تم کلی ترکیب شوند. مرحله ۴. شکل‌گیری تم‌های فرعی: مرحله چهارم زمانی شروع می‌شود که محقق مجموعه‌ای از تم‌ها را ایجاد کرده و آن‌ها را مورد بازبینی قرار می‌دهد. این مرحله شامل دو مرحله بازبینی و تصفیه و شکل‌دهی به تم‌های فرعی است. مرحله اول شامل بازبینی در سطح خلاصه‌های کدگذاری شده است. در مرحله دوم اعتبار تم‌های فرعی در رابطه با مجموعه داده‌ها در نظر گرفته می‌شود. مرحله ۵. تعریف و نام‌گذاری تم‌های اصلی: مرحله پنجم زمانی شروع می‌شود که یک تصویر رضایت‌بخش از تم‌ها وجود داشته باشد. محقق در این مرحله، تم‌های اصلی را که برای تحلیل ارائه کرده، تعریف نموده و مورد بازبینی مجدد قرار می‌دهد، سپس داده‌های داخل آن‌ها را تحلیل می‌کند. مرحله ۶. تهیه گزارش نهایی: مرحله ششم زمانی شروع می‌شود که محقق مجموعه‌ای از تم‌های اصلی کاملاً انتزاعی و منطبق با ساختارهای زمینه‌ای تحقیق در اختیار داشته باشد. این مرحله شامل تحلیل پایانی و نگارش گزارش است.

یافته‌های پژوهش

هدف اصلی از انجام این پژوهش، واکاوی علل و پیامدهای سکوت هیئت‌علمی در برابر کاهش کیفیت آموزشی ناشی از جذب دانشجویان بین‌المللی است. در این راستا داده‌های پژوهش از طریق کدگذاری، مبتنی بر چارچوب شش مرحله‌ای براون و کلارک تحلیل‌شده است. در این روش داده‌ها خردشده، مفهوم‌پردازی شده و سپس با روش‌های تازه، دوباره به هم پیوند خورده‌اند تا امکان رسیدن به مقوله‌ها بر اساس داده‌ها

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1404.17.3.1.7]

را فراهم سازند. پنج مقوله اصلی حاصل از تحلیل داده‌ها نشانگر ابعاد مختلف این سکوت در بین اعضای هیئت‌علمی است که به تشریح آن پرداخته می‌شود.

۱- **ساختارهای اقتدارگرا و بازدارنده در مدیریت دانشگاهی** اولین مقوله است که شامل زیر مقوله‌های: نظام تصمیم‌گیری غیر مشارکتی در جذب دانشجو، فقدان نظام پاسخگو برای پیگیری اعتراضات هیئت‌علمی و عدم ریسک‌پذیری سازمانی و هراس از پیامدهای شغلی می‌باشد. ساختارهای اقتدارگرا در مدیریت دانشگاهی از طریق مکانیسم‌های سرکوب انتقاد، ایجاد فرهنگ ترس و تضعیف مسئولیت‌پذیری جمعی، به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در تبیین انفعال هیئت‌علمی در برابر کاهش کیفیت آموزشی ناشی از جذب دانشجویان بین‌المللی عمل می‌کنند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که در محیط‌های دانشگاهی با سلسله‌مراتب قدرت متمرکز، اعضای هیئت‌علمی به دلیل ترس از عواقب شغلی مانند محرومیت از ارتقاء یا حذف از پروژه‌های مهم، تمایل کمتری به ابراز نگرانی‌های خود درباره سیاست‌های جذب دانشجویان بین‌المللی دارند (Morrison & Milliken, 2000). از سوی دیگر، مطالعات سازمانی تأیید می‌کنند که فقدان مشارکت در تصمیم‌گیری و شفاف نبودن توزیع منابع، منجر به کاهش احساس تعلق سازمانی و افزایش رفتارهای انفعالی در میان اساتید می‌شود (Detert & Edmondson, 2011). این یافته‌ها با نظریه سکوت سازمانی[1] نیز همسو است که بر اساس آن، کارکنان در محیط‌های اقتدارگرا ترجیح می‌دهند به‌جای بیان مشکلات، سکوت اختیار کنند تا از تنش‌های احتمالی جلوگیری نمایند.

۱-۱-نظام تصمیم‌گیری غیر مشارکتی در جذب دانشجو: نظام تصمیم‌گیری متمرکز و غیر مشارکتی در فرآیند جذب دانشجویان بین‌المللی، یکی از عوامل ساختاری کلیدی در تبیین پدیده سکوت و انفعال اعضای هیئت‌علمی محسوب می‌شود. مشارکت‌کننده شماره ۴ بیان می‌کند: *«متأسفانه تمام تصمیم‌گیری‌ها درباره جذب دانشجویان خارجی در سطح مدیریت کلان و بدون نظرخواهی از اساتید انجام می‌شود. ما حتی گاهی بعد از شروع ترم متوجه می‌شویم که تعدادی از دانشجویان بین‌المللی در کلاس حاضر شده‌اند، درحالی‌که هیچ ارزیابی از سطح علمی یا مهارت‌های زبانی آن‌ها انجام نشده است.»* همچنین یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان با ادبیات اعتراضی این موضوع را این‌گونه شرح می‌دهد: *«یک‌بار پیشنهاد دادیم که حداقل یک مصاحبه علمی با دانشجویان بین‌المللی انجام شود تا مطمئن شویم سطح آن‌ها با استانداردهای ما همخوانی دارد؛ اما پاسخ دادند که این کار روند جذب را کند می‌کند و ممکن است دانشجو را از دست بدهیم. بسیاری از آن‌ها حتی در درک مطالب پایه مشکل دارند، اما چون از ابتدا در تصمیم‌گیری‌ها نقشی نداشتیم، حالا هم انگیزه‌ای برای پیگیری این مشکلات نداریم. می‌دانیم که اگر اعتراض کنیم، بهانه‌ای می‌تراشند که ما را ضد بین‌المللی سازی معرفی کنند. پس سکوت می‌کنیم، هرچند می‌بینیم که کیفیت آموزش روزبه‌روز افت می‌کند».* (مشارکت‌کننده شماره ۱۰).

۲-۱- فقدان نظام پاسخگو برای پیگیری اعتراضات هیئت‌علمی: مطالعات نشان می‌دهد که نبود سازوکارهای شفاف و مؤثر برای ثبت، بررسی و پاسخگویی به اعتراضات و نگرانی‌های هیئت‌علمی درباره کیفیت آموزش و پژوهش دانشجویان بین‌المللی، نقش بسزایی در تثبیت فرهنگ سکوت سازمانی دارد. تحقیقات بر اساس نظریه سکوت سازمانی نشان می‌دهد که وقتی کارکنان به تجربه درمی‌یابند که ابراز نگرانی‌هایشان نه‌تنها تغییری ایجاد نمی‌کند، بلکه ممکن است پیامدهای منفی برایشان داشته باشد، به‌تدریج به "سکوت دفاعی" روی می‌آورند (Hénard & Roseveare,2012). مشارکت‌کننده شماره ۷ بیان می‌کند: *«چندین بار به‌صورت کتبی و شفاهی به مدیر گروه و معاون آموزشی در مورد مشکلات جدی در سطح علمی و زبان دانشجویان بین‌المللی تذکر داده‌ام؛ اما هر بار با پاسخ‌های کلی مانند سیاست دانشگاه حمایت از*

[1] . Organizational Silence

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1404.17.3.1.7]

جذب این دانشجویان است مواجه شده‌ام. وقتی می‌بینیم هیچ مکانیسم مشخصی برای رسیدگی به این شکایات وجود ندارد، طبیعی است که انگیزه‌ای برای ادامه اعتراضات باقی نماند.»

۳-۱- عدم ریسک‌پذیری سازمانی و هراس از پیامدهای شغلی: در نظام دانشگاهی ایران، فرهنگ‌سازمانی مبتنی بر احتیاط و پرهیز از ریسک، همراه با ترس از عواقب شغلی اعتراض، از موانع اصلی ابراز نگرانی‌های هیئت‌علمی محسوب می‌شود. یکی از مشارکت‌کنندگان به این نکته به این صورت اشاره می‌کند:«خب جنابعالی بهتر می‌دانید فرآیند تثبیت یک هیئت‌علمی در دانشگاه سال‌ها طول می‌کشد، تبدیل وضعیت از پیمانی به رسمی آزمایشی، از رسمی آزمایشی به رسمی قطعی و همچنین برای هر ارتقاء نیز نظرات مسئولین دانشگاه به‌نوعی در آیین‌نامه لحاظ شده است. خب این مسائل به‌ویژه برای همکاران جوان دغدغه است که دراین‌باره سکوت کنند»(مشارکت‌کننده شماره ۱۵).

۲- ملاحظه‌کاری هیئت‌علمی در پرتو انگیزه‌های اقتصادی: این مقوله به بررسی رفتار محافظه‌کارانه اعضای هیئت‌علمی در مواجهه با چالش‌های ناشی از جذب دانشجویان بین‌المللی می‌پردازد که ریشه در محاسبات عقلانی مبتنی بر منافع اقتصادی دارد. این مقوله دارای زیر مقوله‌های زیر است:

۲-۱- وابستگی معیشتی به درآمدهای جانبی: وابستگی مالی اعضای هیئت‌علمی به درآمدهای جانبی مرتبط با جذب دانشجویان بین‌المللی (مانند حق‌التدریس، مشاوره پایان‌نامه و مشارکت در پروژه‌های پژوهشی پردرآمد) می‌تواند به عاملی کلیدی در سکوت آنان در برابر کاهش کیفیت آموزشی تبدیل شود. مطالعه اسلاتر و رودز[1] (۲۰۰۴) در چارچوب سرمایه‌داری دانشگاهی تأکید می‌کند که در نظام‌های دانشگاهی که منابع مالی دولتی کاهش یافته است، اساتید ناگزیر به درآمدهای جانبی متکی می‌شوند و این وابستگی می‌تواند استقلال حرفه‌ای آنان را تحت تأثیر قرار دهد. یکی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه بیان می‌کند: *«مدیر گروه صراحتاً به ما گفته این دانشجویان مشتری هستند، با آن‌ها مثل دانشجوی عادی رفتار نکنید. وقتی حقوق پایه دانشگاه کفاف زندگی را نمی‌دهد، مجبوریم چشم‌مان را روی برخی کاستی‌ها ببندیم.»(مشارکت‌کننده شماره ۹).*

۲-۲- ترس از محرومیت از امتیازات مالی: این پدیده با نظریه سکوت سازمانی نیز قابل تبیین است که بر اساس آن، کارکنان در محیط‌هایی که اعتراض ممکن است به از دست دادن امتیازات منجر شود، به سکوت روی می‌آورند. در نتیجه، این ترس نه‌تنها به حفظ وضعیت موجود کمک می‌کند، بلکه ممکن است به‌تدریج باعث کاهش کیفیت آموزش و پژوهش شود، چرا که اساتید انگیزه‌ای برای پیگیری استانداردهای علمی نخواهند داشت. یکی از اعضای هیئت‌علمی به نکته خاصی اشاره دارد: *«معاون دانشکده برای اقناع من و همکاران به‌صراحت گفت که معاون پژوهشی دانشگاه که متولی این دانشجویان هست در جلسه شورای پژوهشی صراحتاً گفته که اگر اساتیدی که نمره قبولی و بالا به این دانشجویان ندهند از ترم بعد با این دانشجویان تدریس نداشته باشند»* (مشارکت‌کننده شماره ۱). یا استاد دیگری بیان می‌کند: *«واقعیت این است که ما تحت فشار مضاعفی هستیم. از یک‌طرف می‌دانیم برخی از این دانشجویان صلاحیت لازم را ندارند، از طرف دیگر اگر سختگیری کنیم، اولاً حق‌التدریس اضافی را از دست می‌دهیم که در این شرایط اقتصادی مهم است، ثانیاً ممکن است در ترم بعدی با این دانشجویان واحد به ما ارائه نکنند. معاون آموزشی دانشگاه صراحتاً گفته کیفیت را قربانی کمیت نکنید و دقیقاً مانند دانشجویان ایرانی عمل کنید ولی در عمل عکس این اتفاق می‌افتد.»(مشارکت‌کننده شماره ۱۵).*

۲-۳- توجیه اخلاقی –اقتصادی: یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اعضای هیئت‌علمی برای هماهنگ‌سازی تعارض بین ارزش‌های حرفه‌ای و ملاحظات اقتصادی، از مکانیسم‌های توجیه اخلاقی–اقتصادی استفاده می‌کنند. برخی از اساتید دانشگاه کاهش کیفیت آموزشی

[1] . Slaughter & Rhoades

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1404.17.3.1.7]

دانشجویان بین‌المللی را با استدلال‌هایی مانند تأمین منابع مالی برای پیشرفت دانشگاه، تجهیز آزمایشگاه‌های دانشگاه یا فرصت سازی برای بین‌المللی شدن توجیه کنند. مشارکت‌کننده شماره ۵: «*ببینید، ما در شرایط خاصی قرار داریم. وقتی می‌بینیم بودجه دانشگاه سال‌به‌سال کاهش‌یافته و حقوق اساتید به‌سختی کفاف زندگی می‌دهد، ناچاریم بین ایده آل‌های دانشگاهی و بقای مالی دانشگاه یکی را انتخاب کنیم. بله می‌دانم که دانشجویان بین‌المللی سطح قابل قبولی ندارند، اما درآمد حاصل از شهریه آن‌ها به توسعه آزمایشگاه‌ها و خرید تجهیزات کمک می‌کند. این یک سرمایه‌گذاری موقت است تا وقتی وضعیت مالی بهتر شد، بتوانیم استانداردها را بالا ببریم*».

۳-عوامل فرهنگی -اجتماعی: یافته‌ها بیانگر آن است که عوامل فرهنگی و اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری رفتار انفعالی هیئت‌علمی در مواجهه با چالش‌های ناشی از جذب دانشجویان بین‌المللی ایفا می‌کنند. بر اساس مبانی نظری نیز در جوامعی که ارزش‌های جمع‌گرایانه بر فردگرایی غلبه دارد، تمایل به حفظ هماهنگی گروهی ممکن است بر بیان حقایق ناخوشایند اولویت پیدا کند (Triandis,2018). این عوامل فرهنگی در کنار ساختارهای اجتماعی دانشگاه‌های ایران، فضایی ایجاد می‌کند که در آن سکوت به هنجاری پذیرفته‌شده تبدیل می‌شود و اعتراض به سیاست‌های جذب دانشجویان بین‌المللی رفتاری ناهنجار تلقی می‌گردد.

۱-۳- فرهنگ سکوت در محیط دانشگاهی: فرهنگ سکوت در محیط‌های دانشگاهی به‌عنوان الگویی نهادینه‌شده از خودداری جمعی اعضای هیئت‌علمی از بیان نگرانی‌ها و انتقادات مربوط به کیفیت آموزش و پژوهش تعریف می‌شود که در زمینه جذب دانشجویان بین‌المللی به شکل ویژه‌ای بروز می‌یابد. یکی از مشارکت‌کنندگان پژوهش بیان می‌کند: «*مسئله فقط سطح علمی نیست، بلکه کل سیستم طوری طراحی‌شده که ما را به سکوت وادار کند. اگر دانشجویی را مردود کنی، مدیر گروه شخصاً تماس می‌گیرد و می‌گوید این دانشجو شهریه بالایی پرداخته، راه‌حلی پیدا کن. اگر پافشاری کنی، ترم بعد ممکن است اصلاً به تو کلاس ندهند. در چنین شرایطی، همه یاد گرفته‌اند که سرشان را پایین بیندازند و سکوت کنند*»(مشارکت‌کننده شماره ۱۸). «*به‌عنوان عضو هیئت‌علمی تازه‌کار، اصلاً نمی‌توانم چنین ریسکی کنم. اینجا قانون نانوشته‌ای وجود دارد: چشم‌هایت را ببند و کارت را انجام بده. هر کسی بخواهد صادقانه صحبت کند، باید هزینه بدهد و برچسب ساز ناکوک و انسان پرحاشیه را با خود حمل کند*»(مشارکت‌کننده شماره ۷).

۲-۳- نقش پررنگ سلسه‌مراتب اداری: ساختار سلسله‌مراتبی شدید در دانشگاه‌های ایران یکی از عوامل کلیدی در شکل‌گیری و تداوم فرهنگ سکوت در میان اعضای هیئت‌علمی است. در این سیستم، تصمیم‌گیری‌ها عمدتاً به‌صورت متمرکز و از بالا به پایین انجام می‌شود و فضای محدودی برای مشارکت واقعی اساتید در سیاست‌گذاری‌های کلان، از جمله برنامه‌های جذب دانشجویان بین‌المللی، وجود دارد. مشارکت‌کننده‌ای در این زمینه اظهار می‌کند: «*در این ۱۰ سال یاد گرفته‌ام که در دانشگاه‌های ما یعنی همه‌چیز باید از فیلترهای اداری متعدد بگذرد. یکبار مشکل سطح علمی دانشجویان بین‌المللی را به‌صورت کتبی به معاونت آموزشی گزارش کردم. نامه من از معاونت به رئیس دانشکده ارجاع شد و در نهایت همان نامه با یادداشت در دست بررسی به خودم برگشت. این سیستم پیچیده اداری طوری طراحی‌شده که همه خسته شوند و از پیگیری منصرف شوند. حالا دیگر کسی انرژی برای اعتراض ندارد*» (مشارکت‌کننده شماره ۱۶).

۳-۳- کم‌اهمیت دانستن کیفیت آموزشی: یکی از عوامل کلیدی در سکوت اعضای هیئت‌علمی در برابر کاهش کیفیت آموزشی ناشی از جذب دانشجویان بین‌المللی، جایگاه حاشیه‌ای کیفیت آموزش در اولویت‌بندی‌های مدیریت دانشگاه است. اساتید به تجربه دریافته‌اند که دغدغه‌های آنان درباره سطح علمی دانشجویان بین‌المللی عموماً در سیاست‌گذاری‌های کلان دانشگاه جایی ندارد. مدیریت دانشگاه‌ها معمولاً با پاسخ‌های کلی و مبهمی مانند این‌که اولویت فعلی توسعه بین‌المللی است یا این دانشجویان برای دانشگاه درآمدزایی دارند، از پرداختن به مسائل کیفی طفره می‌روند. این رویکرد به‌تدریج این پیام را به هیئت‌علمی منتقل می‌کند که تلاش برای حفظ استانداردهای آموزشی ارزشی ندارد. یک

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1404.17.3.1.7]

از مشارکت‌کنندگان در این زمینه عنوان می‌کند: *«مدیران دانشگاه به‌وضوح نشان داده که کیفیت آموزش اولویت ندارد. وقتی من با مدارک و آمار نشان دادم که دانشجویان بین‌المللی گروه ما حتی نمی‌توانند یک مقاله علمی ساده را بخوانند، پاسخ شنیدم این‌ها دانشجویان ویژه هستند، استانداردهای معمول برایشان اعمال نکنید. واقعاً چه توقعی دارید؟ وقتی مدیریت دانشگاه رسماً می‌گوید باید سطح انتظارات را پایین بیاوریم، دیگر انگیزه‌ای برای اعتراض باقی نمی‌ماند»*(مشارکت‌کننده شماره ۲).

۴-ابعاد روان‌شناختی عدم مقاومت در برابر تغییرات نهادی: ابعاد روان‌شناختی سکوت هیئت‌علمی در برابر تغییرات نهادی ناشی از جذب دانشجویان بین‌المللی را می‌توان در چارچوب نظریه روان‌شناختی درماندگی آموخته‌شده تحلیل کرد. بر اساس نظریه درماندگی آموخته‌شده، اساتید پس از مواجهه مکرر با بی‌پاسخ ماندن اعتراضاتشان، به‌تدریج به این باور می‌رسند که هیچ کنترلی بر بهبود وضعیت ندارند که این منجر به پذیرش منفعلانه شرایط موجود می‌شود. زیر مقوله‌های سازنده این مقوله به‌وضوح نشان‌دهنده این امر هستند:

۱-۴- احساس بی‌تأثیری: احساس بی‌تأثیری در میان اعضای هیئت‌علمی، نوعی ناامیدی عمیق و باور راسخ به بی‌فایده بودن هرگونه اعتراض یا پیشنهاد اصلاحی است که به‌تدریج در مواجهه با ساختارهای بوروکراتیک و تصمیم‌گیری‌های متمرکز دانشگاهی شکل می‌گیرد. بسیاری از اساتید پس از سال‌ها مشاهده بی‌پاسخ ماندن انتقادات خود و همکارانشان، به این نتیجه می‌رسند که تلاش برای بهبود کیفیت آموزشی دانشجویان بین‌المللی مانند آب در هاون کوبیدن است. آن‌ها می‌بینند که گزارش‌های مستندشان درباره ضعف‌های آموزشی به‌جای اصلاح وضعیت، در گرداب اداری گم می‌شود یا با پاسخ‌های کلیشه‌ای مانند سیاست کلان دانشگاه است، مواجه می‌گردد. این تجربیات تکراری منجر به شکل‌گیری نوعی یادگیری منفی می‌شود که در آن اساتید حتی وقتی فرصت اظهارنظر رسمی هم داشته باشند، ترجیح می‌دهند سکوت کنند، چراکه عمیقاً باور دارند صدایشان به‌جایی نمی‌رسد. مشارکت‌کننده‌ای در این زمینه بیان می‌کند: *«در دو سال اول با شور و شوق زیاد پیشنهاد می‌دادم، اما همیشه همان سناریو تکرار می‌شد: جلسه می‌گذاشتند، قول اقدام می‌دادند و بعد هیچ اتفاقی نمی‌افتاد. یک‌بار رئیس دانشکده مستقیماً به من گفت: دکتر، شما خیلی ایدئالیست هستید. اینجا دانشگاه است، نه آزمایشگاه آرمان‌گرایی. حالا دیگر می‌دانم این بازی بی‌حاصل را نباید ادامه دهم»*(مشارکت‌کننده شماره ۸).

۲-۴- خستگی روانی ناشی از فرآیندهای اداری: سیستم اداری پیچیده و طاقت‌فرسای دانشگاه‌ها به یکی از مهم‌ترین عوامل خستگی روانی و بی‌انگیزگی هیئت‌علمی تبدیل‌شده است. بسیاری از اساتید پس از سال‌ها مواجهه با کوهی از فرم‌ها، مجوزها و کمیته‌ها، به نقطه‌ای می‌رسند که ترجیح می‌دهند به‌جای تلاش برای بهبود کیفیت آموزش، سکوت کنند و تنها کارهای ضروری را انجام دهند. این خستگی ناشی از آن است که هر پیشنهاد یا اعتراضی باید از ده‌ها مرحله اداری عبور کند – از تأیید مدیر گروه گرفته تا معاونت آموزشی و گاه حتی وزارتخانه – و در نهایت نیز معمولاً یا پاسخ روشنی دریافت نمی‌کند یا با تغییرات ناچیزی مواجه می‌شود که ارزش زحمات کشیده شده را ندارد. اساتید به تجربه دریافته‌اند که پیگیری یک مشکل ساده آموزشی، مانند اضافه کردن یک درس پیش‌نیاز برای دانشجویان بین‌المللی، ممکن است ماه‌ها به طول انجامد و در این فرآیند، انرژی و زمان زیادی از آن‌ها بگیرد بی‌آنکه نتیجه ملموسی داشته باشد. یکی از اعضای هیئت‌علمی مطرح می‌کند: *«من که دیگر از این سیستم خسته شده‌ام. هر بار که می‌خواهی کاری کنی، باید کلی نامه بنویسی، امضا بگیری، جلسه بروی و آخرش هم می‌گویند باید در شورای فلان بررسی شود. ترم پیش برای اضافه کردن یک جلسه رفع اشکال ساده، آن‌قدر درگیر کاغذبازی شدم که به خودم گفتم دیگر هیچ‌وقت چنین کاری نکنم. این سیستم طوری طراحی‌شده که آدم را از هرگونه تغییر و بهبودی منصرف کند»*(مشارکت‌کننده شماره ۱۰).

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1404.17.3.1.7]

۳-۴- محافظه‌کاری به‌عنوان استراتژی بقا: در فضای دانشگاهی امروز، بسیاری از اعضای هیئت‌علمی به شکل ناخودآگاه به سمت رفتارهای محافظه‌کارانه گرایش پیدا کرده‌اند. این محافظه‌کاری نه یک انتخاب آگاهانه، بلکه یک مکانیسم دفاعی در برابر ساختارهای بوروکراتیک و ناامن کننده دانشگاه‌هاست. بسیاری از اساتید ترجیح می‌دهند به‌جای پرداختن به مسائل کیفی، بر جنبه‌های صوری و کمّی کار تمرکز کنند که مورد تأیید سیستم است. این رفتار محافظه‌کارانه در بلندمدت به‌نوعی فرسایش شغلی منجر می‌شود که در آن اساتید هرچند ظاهراً در سیستم باقی می‌مانند، اما به‌تدریج از رسالت اصلی خود که ارتقای کیفیت آموزش و پژوهش است، فاصله می‌گیرند. این پدیده به‌ویژه در مورد دانشجویان بین‌المللی مشهودتر است، چراکه بحث درباره کیفیت آموزش آن‌ها اغلب با حساسیت‌های سیاسی و مالی همراه است و سیستم دانشگاهی به‌طور ضمنی از اساتید می‌خواهد که چشم‌های خود را بر روی کاستی‌ها ببندند. نتیجه نهایی، شکل‌گیری نسلی از اساتید است که اگرچه از نظر فنی و علمی توانمند هستند، اما به دلیل ترس از عواقب، تبدیل به بازیگرانی منفعل در سیستم شده‌اند. یکی از اساتید در این زمینه اظهار می‌کند: *«ترم گذشته پیشنهاد دادم دوره‌های آمادگی اضافه شود، نه‌تنها توجهی نشد، بلکه ترم بعد ساعت تدریسم را با این دانشجویان کاهش دادند. خب این نشان می‌دهد با اعتراض من نه‌تنها اتفاق مثبتی رخ نمی‌دهد بلکه باید هزینه هم بدهم و البته مورد غضب برخی از همکاران هم باشم که این دانشجویان را نعمتی برای دانشگاه می‌دانند»*(مشارکت‌کننده شماره ۱۱).

۵- سیاست‌گذاری کلان آموزشی و اولویت‌های دیپلماتیک: بر اساس پژوهش (۲۰۱۶)، دانشگاه‌ها در کشورهای درحال‌توسعه به‌طور فزاینده‌ای به ابزارهایی برای پیشبرد اهداف دیپلماتیک فرهنگی و توسعه نفوذ بین‌المللی تبدیل شده‌اند. این روند منجر به شکل‌گیری نوعی دیپلماسی دانشگاهی[1] شده است که در آن معیارهای کیفی آموزش و پژوهش گاه فدای اهداف کلان سیاسی می‌شود (De Wit,2020).

۱-۵- اجبار نهادسهای حاکمیتی برای جذب دانشجویان بین‌المللی به‌عنوان ابزار قدرت نرم: در دهه‌های اخیر، جذب دانشجویان بین‌المللی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی قدرت نرم در سیاست خارجی بسیاری از کشورها موردتوجه قرار گرفته است. بر اساس نظریه جوزف نای درباره قدرت نرم (Fattahi Ardakani et al,2018)، کشورها از طریق جذب دانشجویان خارجی به دنبال گسترش نفوذ فرهنگی، ایجاد شبکه‌های وفادار و تقویت تصویر بین‌المللی خود هستند. نظر یکی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه قابل تامل است: *«بسیاری از کشورها از دانشجویان بین‌المللی به‌عنوان ابزار دیپلماسی علمی و فرهنگی استفاده می‌کنند، اما در ایران این سیاست بدون پشتوانه علمی اجرا می‌شود. مشکل اینجاست که اساتید به دلیل وابستگی مالی ترجیح می‌دهند موضعی نگیرند. این سکوت، چرخه معیوبی ایجاد کرده که در آن کیفیت قربانی کمیت می‌شود»(مشارکت‌کننده شماره ۱۲).* یا هیئت‌علمی دیگری بیان می‌کند: «این سکوت چند دلیل ساختاری دارد. اولاً، بسیاری از اساتید می‌دانند که این سیاست از بالا دیکته شده، ثانیاً، فضای دانشگاه کمتر پذیرای نقد سیاست‌های کلان است»(مشارکت‌کننده شماره ۷).

۲-۵- سیاست‌گذاری جذب دانشجوی بین‌المللی به‌عنوان ابزاری در جهت ارتقا رتبه‌بندی دانشگاه: در سال‌های اخیر، بسیاری از نظام‌های آموزش عالی در جهان، جذب دانشجویان بین‌المللی را به‌عنوان یک استراتژی کلیدی برای بهبود رتبه‌بندی دانشگاه‌ها در نظام‌های جهانی دنبال کرده‌اند این رویکرد ازآنجا نشئت می‌گیرد که شاخص‌های رتبه‌بندی بین‌المللی، معیارهایی مانند تنوع دانشجویی، بین‌المللی شدن و تأثیر پژوهشی جهانی را به‌عنوان عوامل مهم در ارزیابی کیفیت دانشگاه‌ها در نظر می‌گیرند. در ایران نیز، سیاست‌گذاران آموزش عالی با الگوبرداری از این مدل‌ها، افزایش تعداد دانشجویان بین‌المللی را به‌عنوان یک راهکار سریع برای ارتقای جایگاه دانشگاه‌های کشور در رتبه‌بندی‌های جهانی ترویج کرده‌اند؛ اما مشکل اصلی این است که این سیاست‌گذاری‌ها عمدتاً کمی گرا و فاقد برنامه‌ریزی جامع برای حفظ کیفیت آموزشی و پژوهشی هستند. مطالعات نشان می‌دهند که جذب دانشجویان بین‌المللی بدون تقویت زیرساخت‌های زبانی، حمایت‌های

[1] . Academic Diplomacy

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1404.17.3.1.7]

تحصیلی و انطباق برنامه‌های درسی، نه‌تنها به ارتقای واقعی کیفیت منجر نمی‌شود، بلکه می‌تواند به کاهش استانداردهای آموزشی و افزایش فشار بر اعضای هیئت‌علمی بینجامد. در واقع، این نوع سیاست‌گذاری که صرفاً بر اساس معیارهای صوری رتبه‌بندی طراحی‌شده، بدون توجه به الزامات کیفی، می‌تواند به یک ابزار نمایشی تبدیل شود که در کوتاه‌مدت ممکن است رتبه دانشگاه را بهبود بخشد، اما در بلندمدت به اعتبار علمی آن آسیب می‌زند (Shin et al,2013) بنابراین، واکاوی دلایل سکوت هیئت‌علمی در این زمینه نه‌تنها روشن‌کننده شکاف بین سیاست‌گذاری و اجرا است، بلکه می‌تواند زنگ خطری برای بازنگری در الگوهای جذب دانشجویان بین‌المللی باشد. یکی از مشارکت‌کنندگان اظهار می‌کند: «*این یک بحران خاموش است. وقتی دانشگاه‌ها مجبور می‌شوند دانشجویانی را بپذیرند که از نظر زبانی یا علمی آمادگی لازم را ندارند، اولین قربانی کیفیت آموزش است. اساتید بین دوگانه حفظ استانداردها و فشارهای اداری گیر کرده‌اند. نتیجه یک سازش ناسالم است که در بلندمدت به اعتبار علمی دانشگاه آسیب می‌زند. این همان چیزی است که من آن را توهم بین‌المللی سازی می‌نامم*»(مشارکت‌کننده شماره ۱۴). *یا مشارکت‌کننده دیگری بیان می‌کند: «از یک‌سو، شاخص‌های بین‌المللی سازی دانشگاه‌ها را تحت‌فشار قرار داده‌اند و از سوی دیگر، این فشارها منجر به تصمیم‌گیری‌های کوتاه‌مدت و صوری شده است. مشکل اساسی اینجاست که ما داریم تورم مصنوعی در شاخص‌های کمی ایجاد می‌کنیم بدون اینکه زیرساخت‌های کیفی لازم را توسعه دهیم. این دقیقاً مثل این است که ظاهر ساختمان را نقاشی کنیم درحالی‌که اسکلت آن در حال فروپاشی است*»(مشارکت‌کننده شماره ۱۱).



شکل ۱- علل انفعال اعضای هیئت‌علمی در قبال افت کیفیت آموزش دانشجویان بین‌المللی

بحث و نتیجه‌گیری

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1404.17.3.1.7]

اعضای هیئت‌علمی به‌عنوان «سرمایه‌های فکری[1]» نظام آموزش عالی شناخته می‌شوند. بر اساس نظریه بوردیو[2] در کتاب انسان دانشگاهی[3]، اساتید دانشگاه نه‌تنها تولیدکنندگان دانش هستند، بلکه به‌عنوان «عاملان فرهنگی[4]» در بازتولید ساختارهای اجتماعی نقش ایفا می‌کنند. آن‌ها از طریق آموزش، پژوهش و مشارکت عمومی، هم بر تحولات دانشگاهی و هم بر گفتمان‌های سیاسی-اجتماعی تأثیر می‌گذارند (Bourdieu, 2024). از دیدگاه کلارک کر (۲۰۱۰) دانشگاه‌های مدرن به‌عنوان «شهرهای فکری» عمل می‌کنند که در آن اساتید، مانند شهروندان دانشگاهی، مسئول حفظ تعادل بین استقلال علمی و مسئولیت اجتماعی هستند. کنشگری دانشگاهی به معنای تعهد اساتید به نقش انتقادی-ترویجی در جامعه است که اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها به‌عنوان بخشی از تعهد حرفه‌ای باید بدان پایبند باشند؛ اما عواملی چون فشارهای سیاسی، کالایی شدن آموزش عالی و فقدان امنیت شغلی باعث می‌گردد این مقوله مهم در برخی از جوامع رنگ باخته و نادیده گرفته شود. این پژوهش درصدد بررسی عوامل مؤثر بر انفعال اعضای هیئت‌علمی دانشگاه (مطالعه موردی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان) در قبال کاهش کیفیت آموزشی و پژوهشی ناشی از جذب دانشجویان بین‌المللی بود که عوامل مؤثر در این فرآیند احصاء و موردبررسی قرار گرفت. در این بخش به بررسی هرکدام از این عوامل و تبیین آن‌ها پرداخته می‌شود.

اولین مقوله موردبحث با عنوان ساختارهای اقتدارگرا و بازدارنده در مدیریت دانشگاهی که دارای زیر مقوله‌های: نظام تصمیم‌گیری غیر مشارکتی در جذب دانشجو، فقدان نظام پاسخگو برای پیگیری اعتراضات هیئت‌علمی و عدم ریسک‌پذیری سازمانی و هراس از پیامدهای شغلی می‌باشد، مبین آن است که ساختارهای اقتدارگرا در مدیریت دانشگاهی با ایجاد فضایی مبتنی بر ترس، کنترل متمرکز و محدودیت در مشارکت تصمیم‌گیری، به‌صورت سیستماتیک به سکوت و انفعال اعضای هیئت‌علمی دامن می‌زنند. بر اساس نظریه سکوت سازمانی هنگامی‌که محیط دانشگاهی به‌جای تشویق گفت‌وگوی انتقادی، از طریق سلسله‌مراتب سفت‌وسخت و سازوکارهای تنبیهی اداره می‌شود، اعضای هیئت‌علمی به‌تدریج یاد می‌گیرند که برای حفظ موقعیت شغلی و دسترسی به منابع، از بیان نگرانی‌های خود خودداری کنند. پژوهش هنارد و همکاران (۲۰۱۲) در دانشگاه‌های اروپایی نشان داد که در سیستم‌های متمرکز، ٪۷۳ از اساتید به دلیل ترس از عواقب منفی از انتقاد خودداری می‌کنند. همچنین یافته‌های پژوهش با نتایج مطالعه پایندر و هارلوس[5] (۲۰۰۱) که در دانشگاه‌های با مدیریت متمرکز، اساتیدی که درباره کیفیت پایین دانشجویان بین‌المللی یا سیاست‌های نادرست اعتراض می‌کنند، معمولاً با برچسب‌زنی یا حذف از فرصت‌های شغلی مواجه می‌شوند، همسو می‌باشد. به‌این‌ترتیب بر اساس نظریه حذف صدا[6] (Detert & Burris,2007) وقتی اساتید از فرآیند تصمیم‌گیری درباره جذب دانشجویان بین‌المللی حذف می‌شوند، به‌تدریج باور می‌کنند که نظراتشان ارزشی ندارد و تلاشی برای بیان انتقادات و نظرات اصلاحی خود به ساختار تصمیم‌گیری نشان نمی‌دهند.

ملاحظه‌کاری هیئت‌علمی در پرتو انگیزه‌های اقتصادی عنوان مقوله‌ای است که شامل زیر مقوله‌های وابستگی معیشتی به درآمدهای جانبی، ترس از محرومیت از امتیازات مالی و توجیه اخلاقی-اقتصادی است. بر اساس نظریه وابستگی منابع[7] (Pfeffer et al,2009)، هنگامی‌که اساتید بخش قابل‌توجهی از درآمد خود را از طریق فعالیت‌های وابسته به دانشجویان بین‌المللی (مثل راهنمایی و مشاوره پایان‌نامه یا تدریس) تأمین می‌کنند، به‌تدریج از انتقاد به کیفیت آموزشی خودداری می‌کنند. همچنین اساتید با استفاده از مکانیسم‌های روانی همچون توجیه منفعت

1. Intellectual Capital
2. Bourdieu
3. Homo Academicus
4. Cultural Agents
5. Pinder & Harlos
6. Voice Exclusion Theory
7. Resource Dependence Theory

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1404.17.3.1.7]

بزرگ‌تر با مصداق توسعه روابط بین‌المللی یا مقایسه اجتماعی که چون سایر دانشگاه‌ها هم همین کار را می‌کنند و یا از مکانیسم متداول جابجایی مسئولیت که در آن عنوان می‌شود سیاست‌ها و دستورات از بالاست، از تنش‌های شناختی و اخلاقی ناشی از این سکوت نیز می‌کاهند. یافته‌ای پژوهش نیز همسو با نتایج مطالعه جانستون[1] (۲۰۰۴) است که در آن مسئله اقتصاد در سیاست‌گذاری فعالیت‌های دانشگاهی و سکوت اعضای هیئت‌علمی در مقابل عدول از اخلاق حرفه‌ای مؤثر می‌باشد.

عوامل فرهنگی و اجتماعی که یکی از یافته‌های اصلی این پژوهش است، خود یکی از عوامل مؤثر در هرگونه کنش اجتماعی و حرفه‌ای به‌حساب می‌آید. در دانشگاه‌هایی که بیان انتقادات به‌عنوان رفتاری ناهنجار تلقی می‌شود، اساتید به‌تدریج یاد می‌گیرند مسائل را نادیده بگیرند. پژوهش ایهدورو اندرسون[2] (۲۰۲۵) نشان داد اساتید از ترس برچسب مخالف از بیان مشکلات آموزشی خودداری می‌کنند. یافته‌های این مقوله که متمرکز بر رواج فرهنگ سکوت در محیط‌های دانشگاهی و ساختار سلسله‌مراتب اداری و کم‌اهمیت دانستن کیفیت آموزشی متمرکز است، نشانگر آن است که چگونه عوامل فرهنگی-اجتماعی در تعامل با ساختارهای اداری، شبکه پیچیده‌ای ایجاد می‌کنند که سکوت را به هنجار تبدیل می‌کند. شکستن این چرخه نیازمند اصلاحات هم‌زمان در سطوح ساختاری و فرهنگی است. یافته‌های واروچاس[3] و همکاران (۲۰۱۸) نیز نشانگر آن است که سه مکانیسم فرهنگی شامل عادی‌سازی افت کیفیت، جایگزینی معیارهای کمی به‌جای کیفی و توجیه سازی جمعی باعث شکل‌گیری تدریجی فرهنگ سکوت در محیط‌های دانشگاهی می‌گردد. امری که یافته‌های این پژوهش نیز مؤید آن است.

مقوله ابعاد روان‌شناختی عدم مقاومت در برابر تغییرات نهادی بیانگر اهمیت ویژگی‌های فردی و روان‌شناختی مؤثر بر شکل‌گیری انفعال و سکوت در بین برخی از اعضای هیئت‌علمی دانشگاه می‌شود. هنگامی‌که اساتید به‌طور مکرر شاهد بی‌پاسخ ماندن اعتراضات خود یا همکارانشان هستند، به‌تدریج به این باور می‌رسند که اقداماتشان تغییری ایجاد نمی‌کند. احساس بی‌تأثیری در هیئت‌علمی دانشگاه‌ها، با تئوری‌های روان‌شناسی سازمانی و مطالعات میدانی در آموزش عالی (Hénard & Roseveare,2012) تأیید شده است. این پدیده با تضعیف انگیزه مشارکت، به سکوت و انفعال منجر می‌شود که در بلندمدت کیفیت آموزش و پژوهش را تحت تأثیر قرار می‌دهد. فرآیندهای اداری موجود برای پیگیری نظرات اساتید و اصلاح امور نیز به این امر دامن زده است. این فرآیندها منجر به تحلیل رفتن انرژی اساتید شده و در غالب موارد هم همان‌طور که در بخش یافته‌ها اشاره گردید به نتیجه نمی‌رسد. محافظه‌کاری در محیط‌های دانشگاهی نیز اغلب به‌عنوان یک راهبرد بقا مورداستفاده قرار می‌گیرد، به‌ویژه در سیستم‌هایی که ساختارهای سلسله‌مراتبی سخت، فشار سیاسی یا ناامنی شغلی وجود دارد. یافته‌های پژوهش زهیر و اردوغان[4] (۲۰۱۱) همسو با یافته‌های این مطالعه است.

آخرین بخش یافته‌های این پژوهش ناظر به سیاست‌گذاری کلان آموزشی و اولویت‌های دیپلماتیک است، امری که غالب کشورها تمرکز ویژه‌ای بر آن دارند. یافته‌های این پژوهش نیز بیانگر آن است که سیاست‌گذاران فرهنگی و سیاسی به موضوع دانشجویان بین‌المللی از بعد قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی می‌نگرند و البته آمار این دانشجویان به‌عنوان عاملی در ارتقا رتبه‌بندی دانشگاه‌ها به شمار می‌رود ازاین‌رو نگاه دیپلماسی فرهنگی محور و شناساندن نام دانشگاه‌ها در محیط‌های علمی منجر به تحت‌الشعاع قرار گرفتن جنبه علمی از سوی مدیران شده و اشراف اعضای هیئت‌علمی به این موضوع این ذهنیت را در آن‌ها ایجاد می‌کند که نقادی به آن تأثیری در این فرآیند نخواهد داشت. مطالعه[5] (۲۰۱۱) نیز نشانگر تفوق سیاست‌های فرهنگی بر عواملی چون کیفیت آموزشی است. هازلکورن[6] (۲۰۱۵) نیز معتقد است پدیده رتبه‌بندی

[1]. Johnstone
[2]. Iheduru-Anderson
[3]. Varouchas
[4]. Zehir& Erdogan
[5]. Marginson
[6]. Hazelkorn

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.20088000.1404.17.3.1.7]

دانشگاه‌ها از جوانب متعددی منجر به کاهش کیفیت آموزشی اصیل دانشگاه شده است اما به دلیل این‌که معیار جهانی را شکل داده است، نقادی آن امری سخت و پیچیده شده است. درمجموع، این پژوهش نشان می‌دهد که انفعال هیئت‌علمی نتیجه مجموعه‌ای از عوامل درهم‌تنیده ساختاری، اقتصادی، فرهنگی، روان‌شناختی و سیاستی است. مقایسه نظام‌مند یافته‌ها با پژوهش‌های پیشین آشکار می‌سازد که هرچند الگوهای مشاهده‌شده در ایران با روندهای جهانی مشابهت دارند، اما شدت اثرگذاری متغیرهای سیاستی و اقتصادی در این بافت، ویژگی خاصی به مسئله می‌بخشد. عبور از این وضعیت نیازمند رویکردی چندلایه است که به‌صورت هم‌زمان ساختار مدیریت دانشگاه، فرهنگ سازمانی، انگیزه‌های مالی و سیاست‌های کلان را بازبینی کند تا امکان گذار از بین‌المللی سازی کمّی و صوری به بین‌المللی سازی کیفی و پایدار فراهم شود.

با توجه به یافته‌های این پژوهش می‌توان اظهار داشت برای کاهش سکوت و انفعال اعضای هیئت‌علمی و بهبود کیفیت آموزش در شرایط بین‌المللی سازی، ترکیبی از راهکارهای نهادی، پژوهشی و حمایتی ضروری است. کلید موفقیت، شفاف‌سازی فرآیندها و ایجاد فضای امن برای نقد سازنده است. منظور از راهکارهای نهادی اصلاح سیاست‌گذاری در زمینه جذب دانشجویان بین‌المللی است که غالباً امری متمرکز است و اختیارات لازم را از گروه‌های آموزشی و دانشکده‌ها سلب کرده است و همچنین بسترسازی همه‌جانبه اولیه برای جذب دانشجویان بین‌المللی قبل از پذیرش آن‌هاست. احصاء نیازها، شرایط موجود در زمینه‌های امکانات مالی، نیروی انسانی و نرم‌افزاری نیز ضرورت اساسی است. بر اساس تحلیل لایه‌های مختلف این پدیده، مجموعه‌ای از پیشنهادهای عملی و مبتنی بر شواهد قابل‌ارائه است. از نظر ساختاری، ایجاد کمیته‌های تخصصی ارزیابی کیفیت دانشجویان بین‌المللی، حضور رسمی نمایندگان هیئت‌علمی در فرآیندهای جذب و پایش و ایجاد سازوکارهای پاسخگویی شفاف می‌تواند زمینه مشارکت فعال‌تر اساتید را فراهم کند. در حوزه اقتصادی، جداسازی امتیازات مالی اساتید از تعداد دانشجویان بین‌المللی و اختصاص بودجه مستقل برای بهبود کیفیت آموزشی ضروری است. از نظر فرهنگی و روان‌شناختی، کارگاه‌های گفتمان انتقادی، کاهش سلسله‌مراتب اداری و ساده‌سازی فرآیندهای اداری، می‌تواند به کاهش فرسودگی و افزایش جسارت علمی کمک کند. در سطح سیاست‌گذاری نیز بازنگری در معیارهای پذیرش دانشجویان و تمرکز بر کیفیت به‌جای کمیت اهمیت دارد.

همچنین پیشنهاد می‌شود فرآیند بهبود یا تنزل کیفیت دانشجویان بین‌المللی از ابعاد مختلف و در دوره‌های مختلف مورد پژوهش قرار گیرد. از سوی دیگر مقایسه تطبیقی با دانشگاه‌های دیگر جهان در مواجه با این امر می‌تواند به اصلاح امور کمک کند. انجام این پژوهش با محدودیت محافظه‌کاری در مشارکت تحقیق از سوی برخی از اعضای هیئت‌علمی مواجه بود که تا حد امکان با تشریح لزوم رعایت اخلاق پژوهش مبنی بر محرمانه ماندن اطلاعات و نظرات مشارکت‌کننده تا حدودی بر آن غلبه شد. از دیگر محدودیت‌های این پژوهش، محدودیت روشی این پژوهش است که به دلیل ماهیت کیفی و مبتنی بر مصاحبه، نتایج به برداشت‌ها و تجربه‌های مشارکت‌کنندگان وابسته بوده و امکان تعمیم‌پذیری گسترده آن محدود است.

تقدیر و تشکر

بدین‌وسیله از تمام از اعضای هیئت‌علمی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان که در انجام این پژوهش این‌جانب را یاری رساندند، تقدیر و تشکر می‌کنم.

تعارض منافع

نویسنده هیچ‌گونه تعارض منافعی در رابطه با نتایج پژوهش ندارد.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1404.17.3.1.7]

Behboud Yarigholi https://orcid.org/0000-0002-4756-2380

منابع

Aghion, P., Dewatripont, M., Hoxby, C., Mas-Colell, A., & Sapir, A. (2010). "The Governance and Performance of Universities: Evidence from Europe and the US." *Economic Policy* .25 (61) (January): 7–59.

Altbach, P. G., Reisberg, L., & Rumbley, L. E. (2019). *Trends in Global Higher Education: Tracking an Academic Revolution*. UNESCO Publishing.

Aronowitz, S. (2001). *The knowledge factory: Dismantling the corporate university and creating true higher learning*. Beacon Press.

Asaadi, Y, Salimi, J., Azizi, N. and Shirbagi, N. (2023). A Qualitative Study of International Students' Experiences of Studying at the University of Kurdistan. *Research in Teaching*, *11*(4), 51-27. doi: 10.22034/trj.2024.139941.1895 [Persian]

Asghari, F. (2021). International Student Mobility Program (ISMP) Analysis of International Students' Challenges in Iran. *Iranian Higher Education*; 13 (2) :1-30 URL: http://ihej.ir/article-1-1651-en.html [Persian]

Bourdieu, Pierre (2024). *Homo Academicus*, translated by Hassan Chavoshian, fifth edition. Tehran: Parse Book Publishing House. [Persian]

Clark, B. (1998). *Creating Entrepreneurial Universities*. IAU Press.

Clark, Kerr (2010). *The Uses of the University*. Translated by Ali Golmohammadi, Seyyed Mostafa Haddadi. Tehran: Institute for Cultural and Social Studies. [Persian]

De Wit, H. (2020). Internationalization of Higher Education: The Need for a More Ethical and Qualitative Approach. *Journal of International Students*, 10, i-iv.https://doi.org/10.32674/jis.v10i1.1893

Detert, J. R., & Burris, E. R. (2007). Leadership behavior and employee voice: Is the door really open? *Academy of Management Journal*, 50(4), 869–884. https://doi.org/10.5465/AMJ.2007.26279183

Detert, J.R. and Edmondson, A.C. (2011) Implicit Voice Theories: Taken-for-Granted Rules of Self-Censorship at Work. *Academy of Management Journal*, 54, 461-488.http://dx.doi.org/10.5465/AMJ.2011.61967925

Enders, J., de Boer, H., & Weyer, E. (2013). Regulatory autonomy and performance: The reform of higher education re-visited. *Higher Education, 65*(1), 5-23.

European University Association. (2021). *EUA annual report 2021.* https://www.eua.eu/images/site1/publications/2021_Annual_Report.pdf

fattahi ardakani, H., masoudinia, H. and emem jomezadeh, S. J. (2018). Analysis of the concept of power and its constituent resources from the perspective of Joseph Nye (hard, soft, intelligent). *Soft power Studies*, *8*(1), 130-153. [Persian]

Ginsberg, B. (2011). *The Fall of the Faculty: The Rise of the All-Administrative University and Why It Matters*. Oxford University Press. (Chapter 3: "The Growth of Administration").

Giroux, H. (2014). *Neoliberalism's War on Higher Education*. Haymarket Books.

Giroux, H. A. (2007). *The University in Chains: Confronting the Military-Industrial-Academic Complex*. Routledge.

Giroux, Henry A. (2021) *Race, Politics and Pandemic Pedagogy: Education in a Time of Crisis*, London: Bloomsbury Academic.

Haji Abbasi, Hamzeh and Parvin, Ehsan. (2023). Challenges and solutions for attracting international students in Iran. *Monthly Journal of Expert Reports of the Parliament Research Center*, 31(4), 19-149. [Persian]

Hazelkorn, E. (2015). *Rankings and the Reshaping of Higher Education: The Battle for World-Class Excellence*. Palgrave Macmillan.

Hemmati, R. and Mohammadi, M. A. (2022). An Analysis of The Quality of University Life of Foreign Students at The University of Isfahan. *Two Quarterly Journal of Contemporary Sociological Research*, *10*(19), 117-145. doi: 10.22084/csr.2022.24665.1993 [Persian]

Hénard, F., & Roseveare, D. (2012). Fostering quality teaching in higher education: Policies and practices. *OECD Institutional Management in Higher Education*.

Iheduru-Anderson, K. (2025). A dangerous lexicon: Academic complicity in silencing social justice—The institutional policing of language and the threat to academic freedom. *Nursing Outlook*, 73(5), 102490. https://doi.org/10.1016/j.outlook.2025.102490

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1404.17.3.1.7]

Johnstone. B. (2004), "The Economics and Politics of Cost Sharing in Higher Education: Comparative Perspectives", *Economics of Education Review*, 20(4), 403-10.

Khorasani, A. , Panahi, M. and Ghanbari, R. (2023). Evaluation of university services quality: perspectives of international students in Iran. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, *27*(4), 55-82. doi: 10.52547/irphe.27.4.55 [Persian]

Lemoine, P. A., Jenkins, W. M., & Richardson, M. D. (2017). Global higher education: Development and implications. *Journal of Education and Development, 1*(1), 58.

Lundin, H. (2024). Tuition fees for international students: a policy instrument of cost sharing and control or simply income generation. European Journal of Higher Education, 15(3), 446–466. https://doi.org/10.1080/21568235.2024.2353757

Mahdi, R, barani, S. (2021).The position of cross-border and international academic mobility in the selected Iranian universities. *Iranian Higher Education*; 12 (4) :1-22. URL: http://ihej.ir/article-1-1583-en.html [Persian]

Marginson, S. (2011). Higher education and public good. *Higher education quarterly*, 65(4). 411-433.

Marginson, S. (2016). *Higher Education and the Common Good*. Melbourne University Publishing.

Morrison, E. W., & Milliken, F. J. (2000). Organizational Silence: A Barrier to Change and Development in a Pluralistic World. *Academy of Management Review*, 25, 706-725. https://doi.org/10.5465/amr.2000.3707697

Naidoo, R. (2018). "The Competition Fetish in Higher Education". *British Journal of Sociology of Education*, 39(1), 11-26.

OECD (2022). *Commercial Trends in Higher Education*. Paris: OECD Publishing.

Pfeffer, Jeffrey; Salancik, Gerald R. (2009). *The external control of organizations: a resource dependence perspective*. Stanford business classics. Stanford Business Books

Pinder, C. C., & Harlos, K. P. (2001). Employee silence: Quiescence and acquiescence as responses to perceived injustice. In G. R. Ferris (Ed.), *Research in personnel and human resources management,* Vol. 20, pp. 331–369). Elsevier Science/JAI Press. https://doi.org/10.1016/S0742-7301(01)20007-3

Rojstaczer, S., & Healy, C. (2012). Where *A* is ordinary: The evolution of American college and university grading, 1940-2009. *Teachers College Record, 114*(7), 1–2 https://doi.org/10.1177/016146811211400707

Rotta, T. N., & Teixeira, R. A. (2018). *The commodification of knowledge and information* (GPERC No. 19448). University of Greenwich, Greenwich Political Economy Research Centre.

Shin, J. C., Kehm, Barbara M. (2013). *Institutionalization of World-Class University in Global Competition*. Dordrecht: Springer.

Slaughter, S. & Rhoades, G. (2004). *Academic Capitalism and the New Economy*. Johns Hopkins University Press.

Tabesh Mofrad, H. R., Arabi, S. H., Pourfakharan, M. R. and Maleki, M. H. (2024). Futures study of Iranian universities' income sources with the scenario planning approach. Management in Islamic University, 12(26), 155-190.

Triandis, H. C. (2018). *Individualism and Collectivism*. Routledge.

UNESCO (2021). *"Global Education Monitoring Report*

Varouchas, E., Sicilia, M.-Á., & Sánchez-Alonso, S. (2018). Academics' Perceptions on Quality in Higher Education Shaping Key Performance Indicators. *Sustainability*, *10*(12), 4752. https://doi.org/10.3390/su10124752

Yamani, M., Teymouri, M. (2015). The academic life of foreign students at Iranian public universities. *Iranian Higher Education*, 7(2),71-11. [Persian]

Zehir, C., & Erdogan, E. (2011). The association between organizational silence and ethical leadership through employee performance. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 24, 1389-1404.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1404.17.3.1.7]